

fatemeh ab, [۲۱,۰۲,۱۷ ۰۵:۵۹]

۵ تا قسم هست که توضیح دادیم . دو تا استفهام داشت که ان ها را هم مطرح کردیم . سه تا قوم هم مطرح شد که اولین قوم عاد بود که خصوصیاتشون این بود که عمادی داشتن که لم یخلق مثلها فی البلاد قوم بعدیم که ثموده . خصوصیت این سه قوم خصوصیت رفتاری و نتیجه بر خورد هاشون ایه ۱۲ و ۱۳ است که ایه ۱۳ و ۱۴ نتیجه و تبعات این رفتار ها رو بیان میکنه . اگر انسان تخت تاثیر خودش باشه ایه ۱۵ و ۱۶ درموردش صد میکنه و اعتقاد به پروردگار داره اما پروردگار من نه رب العالمین . اگر کس تربیت نشه اولین خصوصیتش این است که اکرام برای خودش میخواد ولی این کسایه که تو جامعه الزاما باید اکرام بشن رو کاری باهاشون نداره . یتیم اکرام میخواد مسکین طعام میخواد ارث اکل میخواد مال حب میخواد ولی حب نباید تعلق داشته باشد . این ۴ تا عناصر تربیت انسان و جامعه اند . این ۴ تا شاخص های تربیت یافتگی یک جامعه است . آیات ۲۱ که تا آیات اخر مطالعه بکنیم . این آیات در مورد وقوع قیامت و تغییر نشا دنیا به قیامت داره صحبت میکنه . بحث دک کلا اذا دکت الارض : از نظر واژه ای به معنی کوبیدن است . هو الهدم و القرع . در واقع به وسیله کوباندن چیزی را منهدم کردن . اتفاقی که می افتد این است که زمین تغییر میکند. زمین وضع خودشو به وسیله یک اتفاق ناگهانی تغییر میده . در کوبیدن بحث انهدام است این که زمین دیگر زمین نیست.

fatemeh ab, [۲۳,۰۲,۱۷ ۱۵:۴۳]

در واقع دارد یک سلسله مطالب رو یک جایی رو به صورت مختصر میکوید . بقیه و مفصل تر را در سوره های دیگر مثل شمس و.. آورده . با دکا دکا ناگهانی بودن و و حشت را بیان میدارد . خداوند وعده داده که وضع زمین تغییر پیدا میکند . و به جای این که دانشمندان بگن یک روز زمین نابود میشه . خدا اینجا گفته و شیوه اش هم دک شدن است. زمین دک میشه انسان چه میشود؟ ظاهرا یک لایه ای بوده که این لایه با منهدم شدن زمین بر داشته میشه. چرا ؟ وجی ربک و الملایک صفا صفا. این ایه از یات متشابه قران است. خیلی ها وقت این ایه را میخوانند برای خدا جسم قایل میشوند برای همین این ایه را جزو آیات متشابه قرار دادند . لیس کمثلثه شی ووقتی این ایه میاد این یک تعبیر کنایی است نسبت ب ما یعنی حقیقت جاء اونجا اتفاق می افته یعنی قدرت و سیطره اراده خدا بدون هیچ واسطه ای در این حالت اتفاق می افتد . یعنی در این زمین نظام علت و معلولی حاکم بود که انسان خدا رو نمیدید وقتی این حجاب بر داشته شد یک جاء ربک میشه . یعنی همه چیز به اراده خدا میشود هر کسی بدون حجاب میتونه خدا روبینه . اینجا خدا د حجاب علت و معلول گم است . مثلا شما در دنیا غذا میخورید تا سیر بشید . این تا غایت و فاصله است . اما اونجا فاصله نیست اراد شی کون فیکون میشه اینجا فاصله است بین غذا و انرژی اینجا نه . به بخاطر همین فاصله اراده خدا گم میشه . اراده خدا استقرار پیدا میکند . مگ اراده خدا استقرار نداشت؟ . چرا داشت اما به واسطه لایه ها تو ان را نمیدی . اما حالا دک شد. ارض منهدم میشود یعنی هر قاتونی که در ان اجرا میشده هم منهدم میشود.

fatemeh ab, [۲۳,۰۲,۱۷ ۱۵:۴۳]

وقتی زمین هست حرکت هست زملن هست وقتی زمن را برداشتی این ها هم بر داشته میشود .

خدا و ملائکه به صورت صف استقرار پیدا میکنند یعنی اراده خدا حاکم میشود دیگ انسان نمیتواند هیچ چیزی را تغییر دهد.

fatemeh ab, [۲۴,۰۲,۱۷ ۱۷:۳۸]

وقتی ارض منهدم میشود یعنی هر قاتونی کع در ان اجزا میشده هم منهدم میشود . ارض و متعلقات ان . تا زمین هست نیروی جاذبه و حرکت و زمان هست . وقتی زمین را بر میدارید این هاهم برداشته میشود.

اراده انسان دیگر ذخیرع در هیچ کاری نیست . صف به معنی نظم است . وقتی برای ملائکه مرتبه قائل میشویم این ها صف پیدا میکند . مثلاً د نظر بگیرید ملائکه جهنم داریم ملائکه بهشت داریم . این میشه صف. این جا همه چیز باطنه . در دنیا غیب و شهادت دارید . اینجا همه چیزش شهادته . مختصات مربوط به خودش را دارد . شما خودتون رو در وضعی در نظر بگیرید که هیچ اراده ای برای هیچ کاری نداشتع باشید حتی در خواب

باز خواست انسان به میزان بهره مندی انسان از روح است . روح ثابت است مثل عقل و در همه انسان ها ثابت است ولی انسان به نسبت روح و فطرت و عقل متفاوت اند . نفس انسان متغیر است . یک حالت هست میشه نفس گیاهی یکی حیوان یکی نفس لوامه یکی اماره یکی مطمئنه این است که داره تغییر میکنه . این نفس است که مشکل دارد نه روح . روح ثابت است .

نفس : عبارت است از تشخیص و امتیاز یک موجود نسبت به موجود دیگر . به واسطه نفس موجودات از هم جدا میشوند میشود خود . این خود و ان خود و ... به واسطه نفس متفاوت میشوند یعنی بین ملایکه تمایز وجود دارد . یکی شده جبرئیل یکی میکائیل . یعنی نفس پیدا کرده اند . یکی هم شده خدا نفس پیدا کرده میشه یعرف نفسک . ولی نه ان ک محدود بشه . اما وجود او لیس کمثلثه شی است . نفس خدا میشود لیس کمثلثه شی . موجودی که مسابق با همه هست است . این میشه نفس ولی خب این یک امتیاز پیدا کرده که شده خدا . یا رسول خدا . نفس واژه ای است برای امتیازات موجودات . یعنی این موجود اون نیست ، جبرئیل میکائیل نیست . هرگونه امتیاز دهی که بدی این میشود نفس . البته این تعریف ممکن است در فلسفه شما تعریف دیگری از نفس ببینید . تعریف ما طبق تعریف قران و روایات است . ما د روایات میگوییم اللهم عرفنی نفسک، اللهم عرفنی حجتک ، نفس را برای خدا هم به کار میبرد. این که شما مورد خطاب قرار میدهی یعنی یک نفسی دارد همانطور که این جا نفس را مطمئنه کرده ، در جای دیگر اماره کرده . خیلی فاصله داره بین لوامه ، اماره . بنابراین نفس یک طیف وسیعی دارد .

fatemeh ab, [۲۴, ۰۲, ۱۷ ۱۷:۳۸]

وقتی بحث نفس مطرح میشود یک تعلق است به علاوه یک تشخیص . یعنی وقت گفتید امام حسین او را میبینیدش این یکی از خصوصیات نفس ایت . اگر این حالت نفس نبود شما همه رو نور واحد میدید . مثلاً میگفتی شما امام حسینی یا حسن؟! . به هر حال یک تشخیصی وجود دارد . میگوید کلهم نور واحد طابت و طهیرت بعضهم من بعض . این طابت و طهیرت وجود نفس رو میرسونه علتش این است که طابت و طهیرت چجوری با نور واحد جمع میشه؟ . نور واحد هستند ولی بعضی ها طابت و طهیرت از بعضی دیگر این جور است که شما امام سجاد را با امام حسین قاطی نمیکنید

fatemeh ab, [۲۴, ۰۲, ۱۷ ۱۷:۳۸]

هر کی هر جا هست خودشه . هر کی خودشه خودشه غیر خودش همیشه!! نفس معنایش این است منتها روح و عقل و ثابتات عالم اینطوری نیست .

fatemeh ab, [۲۴, ۰۲, ۱۷ ۱۷:۳۸]

در روایت داریم که عقل وقتی افریده شد گفتن بیا جلو اومد جلو گفتن برو رفت . یعنی نفس برایش قائل شد تشخیص قائل شد .